

## نیکولا بوویه : از تبریز تا میر جاوه

دکتر الله شکر اسداللهی

دانشیار دانشگاه تبریز

e-mail: nassadollahi@yahoo.fr

### چکیده

نیکولا بوویه (Nicolas Bouvier) نویسنده سوئیسی الاصل در کتاب خود تحت عنوان *L'usage du monde* ماجرای سفر خود به ایران و به خصوص به آذربایجان را با ظرافت تمام به تصویر کشیده است. در اقامت طولانی در تبریز در سال‌های ۱۹۵۴-۱۹۵۳ و در ادامه سفر خود به سوی جنوب ایران، نیکولا بوویه به همراه دوست نقاش خود "تی یری ورنه" (Thierry Vernet) آداب و رسوم، منش و نحوه زندگی مردم ایران، به ویژه مردم آذربایجان را با نگاهی نو و با ارزیابی‌های منبعث از فرهنگ غربی مورد قضاوت قرار داده است. نیکولا بوویه در این کتاب علاوه بر مطالعه مسایل فردی، اجتماعی، دینی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مردم آذربایجان، که گاهی نیز به لحاظ عدم آشنایی با فرهنگ این مردم لغزش‌ها و خطاهایی نیز در آن به چشم می‌خورد، به بررسی اوضاع و احوال اقوام مختلف و چگونگی روحيات آنان در برخورد با خارجیان و غیر مسلمانان نیز پرداخته است. این مقاله تلاش دارد تا نحوه نگاه نیکولا بوویه به این مردم را از خلال سفر وی از تبریز تا میر جاوه بررسی کند.

**واژه‌های کلیدی:** سفر، نگاه نو، سیاست، فرهنگ، اقتصاد، دین.

## مقدمه

نیکولا بوویه (۱۹۹۸-۱۹۲۹)، عکاس و جهانگرد سوئیسی الاصل، چند اثر مهم و جذاب درباره ملل گوناگون به رشته تحریر در آورده است. از آثار مهمی که در قالب سفرنامه نوشته شده‌اند، می‌توان به عنوان مثال به کتابهایی که در خصوص سرزمین و مردم ژاپن<sup>۱</sup> (۱۹۷۵) و ایرلند و مردمان آن دیار<sup>۲</sup> (۱۹۹۰) اشاره کرد. کتاب جالب دیگری که موضوع بحث ما خواهد بود، کتابی است تحت عنوان «کاربرد جهان»<sup>۳</sup> (۱۹۶۳) که ظاهراً اولین تجربه وی و نخستین اثر او در باب سفر و ره آورد آن می‌باشد. بوویه در این کتاب، و در همان آغاز، هدف از سفر خود را رسیدن به «گذرگاه خیبر» اعلام می‌کند که این سرزمین ما بین پیشاور (پاکستان) و کابل (افغانستان) قرار دارد و از حیث تاریخی نیز به لحاظ مقاومتی که افغان‌ها در این محل در مقابل انگلیسی‌ها<sup>۴</sup> در سال ۱۸۴۲ از خود نشان دادند، شهرت فراوانی دارد.

در این سفر نسبتاً طولانی و جذاب که در سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۵۴ انجام یافته است، یک نقاش برجسته‌ای بنام «تی پیری ورنه»<sup>۵</sup> در یکی از کشورهای اروپای شرقی، احتمالاً در یوگسلاوی سابق، به بوویه ملحق می‌شود و از آنجائیکه هر دو شیفته نقاشی و مطالعه مردمان سایر سرزمین‌ها بودند، با اشتیاق تمام به این سفر پرماجرا دست می‌زنند. شاید یکی از جنبه‌های تأثیر گذار این اثر و ماندگار بودن آن همین تعامل بین نگاه سفرنامه نویس و قلم نقاش است که او را همراهی می‌کند و تلفیق این دو تأثیر دو چندان بر روی مخاطب دارد و پویایی خاصی بر اثر می‌بخشد.

بوویه را اصولاً به عنوان سیاحی می‌شناسند که بیشتر احساس و عواطف خود را از لابلای حوادث و ماجراهای سفر بیان می‌کند و کمتر به خود ماجراها و اتفاقات احتمالی در سفر می‌پردازد و به همین سبب است که اغلب شیفته نقاشی است و احساسات و تمایلات

1- Chronique japonaise

2- Journal d'Aran et d'autres lieux

3- L'usage du monde

۴- اولین حمله انگلیسی‌ها به افغانستان با هدف استعماری در سال‌های ۱۸۴۲-۱۸۳۹ انجام یافت.

5- Thierry vernet

عاطفی و درونی خود را در قالب نقاشی و در کنار روایات سفر عرضه می‌کند. بنابر این حضور دوست و همکار نقاش او یعنی « تی‌یری » در این سفر نگاه روایی او را چند بعدی ساخته و گستره‌های آن را فراختر نموده است.

بوویه همراه دوست خود، بعد از عبور از کشورهای اروپای شرقی و ترکیه، از مرز بازرگان وارد ایران می‌شوند و از آنجائیکه احتمالاً اولین سفر وی به عنوان سیاح و کسی که می‌خواهد سفرنامه‌ای تدوین کند، می‌باشد، به همین خاطر نگاه او به سرزمینی مثل ایران آن زمان، نگاهی آکنده از حس کنجکاوی و پژوهش است. شاید تفاوت این دو دنیای متفاوت غرب و شرق در هنگام گذر آنها از کشورهای اروپای شرقی و حتی ترکیه چندان محسوس به نظر نمی‌رسد ولی به محض ورود به ایران این شکاف عمیق‌تر می‌شود. به عنوان مثال هنگامی که او می‌نویسد: « مأمور گمرک مانند کشاورز فرانسوی لباس پوشیده بود » (ص ۱۲۵)، « نوشتار عوض شده بود و به جای حروف لاتینی، الفبای عربی به چشم می‌خورد و حتی قرن هم تغییر یافته بود و به جای قرن بیستم وارد قرن چهاردهم (هجری شمسی) شده بودیم » (ص ۱۲۶) و غیره مطالبی هستند که این شکاف عظیم بین غرب و شرق را برای آنها بیشتر نشان می‌دهند.

از ۱۸۳ صفحه مطالبی که در این اثر در خصوص ایران نوشته شده است، حدود ۱۱۰ صفحه آن مربوط به آذربایجان و به ویژه تبریز می‌باشد و بقیه یعنی ۷۳ صفحه بعدی به ادامه سفر آنها تا میر جاوه که آخرین نقطه مرزی ایران است، اختصاص دارد. به عبارت دیگر تقریباً از یازده ماه اقامتی که در ایران داشته است، حدود هشت ماه آن را در آذربایجان گذرانده است (از جمله پائیز و زمستان را) و سه ماه دیگر را به عبور از مرکز و جنوب شرقی ایران وقف کرده است. بنابر این محور اصلی بحث ما یقیناً متوجه دوران اقامت او در آذربایجان خواهد بود و در کنار آن به برخی مسائل دیگر سفر وی که در سایر نقاط ایران انجام یافته است، خواهیم پرداخت.

اگر بخواهیم نگاه بوویه را به ایران و ایرانی به طور مختصر و مفید مورد بررسی قرار بدهیم، لازم است آن را در دو محور نسبتاً متفاوت تحت عنوان نگاه نزدیک و نگاه دور تحلیل کنیم:

## ۱- نگاه نزدیک

از همان لحظه ورود به ایران، بوویه، به لحاظ حس کنجکاوی که قبلاً ذکر شد، نگاه خود را تا به عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دینی و اقتصادی ایران آن دوره می‌افکند. از آنجائیکه جز تبریز، در هیچ جای ایران اقامت نکرد، به همین دلیل در زندگی چند ماهه خود در این خطه ایران، برداشت‌های بسیار نزدیک به واقعیت از او می‌بینیم که البته گاهی، به لحاظ تغایر فرهنگی - اجتماعی، تعجب وی را بر می‌انگیزند.

هرگاه از موقعیت جغرافیایی و جمعیت شهر تبریز و همچنین از بافت شهری آن سخن می‌گوئید، زمانی که از اماکن باستانی مانند مساجد، کلیساها، حمام‌ها، بازار و محلات قدیمی بحث می‌کند، وقتی که از سینماها، مدارس، نانوایان و انواع نان‌ها و به خصوص از کوفته تبریزی صحبت می‌کند، و بالاخره هنگامی که از سرمای سوزناک تبریز، از تلاش مردم این شهر و از زندگی روزمره مردم این سرزمین یاد می‌کند، به لحاظ عینیت داشتن اینگونه مسایل، اشتباهی در نگاه بوویه دیده نمی‌شود و او در این زمینه به خوبی توانسته است واقعیت‌های ملموس جامعه را بیان کند. یا زمانی که در ادامه سفر خود به تهران می‌رسد و با بازسازی و نوسازی محلات اطراف بازار تهران و همچنین مشکلات ناشی از پارک کردن خودروها در این شهر مواجه می‌شود و همچنین در اصفهان و یزد و کرمان آثار باستانی را می‌بیند و به توصیف و تمجید آنها می‌پردازد، جایی برای اشتباه در نگاه او باقی نمی‌ماند. در این برهه از سفر، او به عنوان یک سیاح مشاهده‌کننده و شاهد و ناظر بر امور عینی، توانسته است به میراث ملی و فرهنگی ایران جان تازه‌ای بخشیده و آنها را در معرض مخاطبین علاقه‌مند خود قرار بدهد.

اما در همین حیطه نگاه نزدیک یا واقع‌گرا نیز گاهی بوویه از محدوده عینیت خارج می‌شود و سعی می‌کند تا مسایل را مورد تفسیر قرار داده و حتی به داوری آنها نیز بپردازد. و درست در همین جاست که می‌توان نظرات فردی وی را دید و به ریشه‌های آن پی برد. بوویه به هنگام اقامت در تبریز، به شهرهای دیگر آذربایجان و کردستان از جمله میاندوآب و مهاباد نیز سفر می‌کند و از نزدیک در جریان اوضاع کلی این مناطق واقع می‌شود. بنابر این در افق دید وی، می‌توانیم از عمده‌ترین مسایل سیاسی - اجتماعی گرفته تا ریزترین و

تیزترین مشاهدات وی را بیابیم. زمانیکه مسایل سیاسی گذشتهٔ ایران و تأثیر آن در آذربایجان و کردستان را مطرح می‌کند (غانله آذربایجان و کردستان ۱۳۲۵-۱۳۲۴ و بعد) و به عواقب کودتای آمریکائی ۱۳۳۲ اشاره می‌کند و آداب و رسوم مردم تبریز، منش و رفتار آنها را می‌نویسد و یا از فرهنگ حاکم بر خانواده‌ها و معاشرت آنها با یکدیگر و حتی از ضرب المثل‌های رایج در این مناطق و غیره سخن می‌گوید، و یا اینکه از همسایه‌های خود و از ساکنین و کسبه‌های خیابان شهناز تبریز صحبت می‌کند، برداشت و ارزیابی بوویه اغلب می‌تواند قابل قبول باشد و از سوی مخاطبین محلی پذیرفته شود. به عنوان مثال، در سفر خود به مهاباد، او اوضاع امنیتی کردستان را، کردهای مسلحی را که کنترل شهرها و جاده‌ها را در دست گرفته‌اند و همچنین اقامت چند شبانه‌ای را که به لحاظ حفظ جان در زندان مهاباد سپری کرده‌اند، با دقت تمام توصیف می‌کند، ولی زمانیکه به وصف افسانه‌های کردی می‌پردازد و آن را با باورهای مردم کرد پیوند می‌دهد و در نهایت برای آنها در فرهنگ غربی معادل یابی می‌کند، مسلماً به تفاسیر فردی روی می‌آورد و از اصل موضوع دور می‌شود. هنگامی که از فساد موجود در تشکیلات اداری ایران، به ویژه در ژاندارمری آن زمان سخن می‌گوید و از واهمه‌ای که مردم از آنها داشت حرف می‌زند و از کنترل شدید تبریز برای سرکوبی طرفداران مصدق و به سکوت وا داشتن آنها صحبت می‌کند، نگاهی بسیار نزدیک به واقعیت دارد، اما هنگامی که تفسیر اوضاع سیاسی آن زمان را از زبان ارباب شهر صوفیان، که ظاهراً با عقاید شخصی خود به جریان آزادیخواهی در ایران نگاه می‌کرد، می‌شنود، به راحتی از مسایل واقعی دور می‌شود و اوضاع را آن چنان که شایسته است، نمی‌بیند و به همین جهت قادر نیست مسایل پنهان و آشکار جریان ۲۸ مرداد را به خوبی تفسیر کند. حتی وقتی از علاقه مردم تبریز به موسیقی محلی صحبت می‌کند و از خوانندگان به نام آن زمان نام می‌برد، گوئی چنان با فرهنگ و ادبیات این مرز و بوم عجین شده است که به هیچ وجه نمی‌توان او را بیگانه تلقی کرد. یا هنگامی که از علاقهٔ وافر ایرانی‌ها به اشعار کلاسیک فارسی، از جمله حافظ، سعدی و مولوی به کرات سخن می‌گوید و اذعان می‌دارد که حتی فقیرترین افراد این جامعه نیز با خواندن اشعار شعرای بزرگ به زندگی امیدوار می‌شوند و به آن دل می‌بندند و فقر و نداری خود را فراموش می‌کنند،

حاکمی از این است که او در این اقامت کوتاه خود در ایران توانسته است با روحيات ایرانی‌ها و با گنجینه‌های فرهنگی و ادبی ایران آشنا شود و نگاه درستی بر آن داشته باشد. اما مسلماً، همچنانکه خود بوویه نیز بارها در اثر خود اشاره کرده است، این دو سیاح اغلب همراهان و دوستان ایرانی داشتند که به آنها در زمینه‌های گوناگونی آگاهی لازم را می‌دادند و به همین دلیل ترجمه‌ برخی از اشعار کلاسیک و اشعار آوازه‌های ایرانی و آذری و همچنین کلمات قصار و ضرب‌المثل‌ها را در اثر وی مشاهده می‌کنیم. بنابر این برخی از نوشته‌های بوویه بی‌تأثیر از القائنات نظری همراهان وی نمی‌باشد. در واقع، در آن سوی نگاه بوویه، نگاه بومی و محلی را می‌یابیم که از خلال ترجمه‌ها و تحسین‌های مؤلف خود را نمایان می‌سازد. بوویه در هشت ماه اقامت خود در تبریز، به خوبی توانسته است محله و مردمانی را که با آنها زیسته است، به درستی ترسیم کند. مردم کنجاو تبریز، شوخ طبع بودن آنها، رک گوئی و سماجت آنها را با ظرافت تمام به تصویر کشیده است. شب نشینی‌های متداول در آن زمان، که وی نیز از این امر بی‌بهره نبود، تعجب او را بر می‌انگیزد و در درک و فهم آن عاجز می‌ماند. او به همراه تی‌یری، سعی دارد از شب نشینی‌های صاحب‌خانه و همسایه‌ها در امان باشد و به نحوی از این مزاحمت بگریزد، ولی به مرور به آن عادت می‌کند و خود نیز هرزگاهی به شب نشینی می‌رود و برداشت وی از مفهوم شب نشینی کاملاً تغییر می‌یابد.

زمانی که برای رفع مشکلات مالی خودشان، بوویه و تی‌یری مجبور شدند به تدریس خصوصی زبان فرانسه در تبریز مشغول شوند و عده‌ای از علاقه‌مندان را در منزل خود آموزش بدهند، از روی تکالیف آنها به ارزیابی رفتاری شاگردان می‌پردازند که این امر اغلب با واقعیت مطابقت ندارد. اگر گاهی شاگردان از روی کنجاوای و به لحاظ تغایر فرهنگی سئوالاتی خارج از حوزه درس می‌پرسند و دوست دارند در خصوص نحوه زندگی در اروپا بیشتر بدانند، داوری در باب اینگونه سئوالات و حمل آن بر مسایل فردی و اجتماعی، نگاهی است که نمی‌تواند برای مخاطب توجیه پذیر باشد. به همین علت است که بوویه، یا به لحاظ عدم آشنایی صرف او با جریانات فرهنگی - اجتماعی ایران و یا به دلیل تبیین غرض آلود برخی مسائل از سوی همراه و راهنمای ایرانی وی، نگاه کاملاً دور از واقعیت بر

مسائل داشته است. در اینجا تنها به یکی دو مورد از آنها اشاره می‌کنیم.

## ۲- نگاه دور

در ماه اکتبر ۱۹۵۳، بوویه و تی یری حدود یک ماه بود که در تبریز اقامت کرده بودند و این ایام مصادف با ماه محرم بود. از آنجائیکه ماه محرم آداب و سنن خود را دارد و به ویژه در ایام گذشته برگزاری این مراسم گاهی با افراط‌گرایی نیز همراه بود، بنابر این می‌توانست موضوعی بسیار جالبی برای بوویه و تی یری بوده باشد.

تصویری که بوویه از مراسم محرم ارائه می‌کند، تقریباً تصویر درستی است: دسته جات سینه‌زنی، زنجیرزنی و غیره ... اما زمانی که روز عاشورا را توصیف می‌کند، به صراحت اذعان می‌دارد که انواع و اقسام مشروبات الکلی در همه جای شهر به وفور به چشم می‌خورد و به همین خاطر است که عزاداران خود را قوی احساس می‌کنند. مسلماً این نگاه بوویه، نگاهی اشتباه و دور از واقعیت است. چرا که در روز عاشورا و در شهر تبریز، نه تنها مشروبات الکلی در بین مردم پخش نمی‌شد، حتی در معرض دید آنها نیز قرار نمی‌گرفت. احتمالاً این اشتباه از آنجا ناشی می‌شود که نویسنده به لحاظ عدم آشنایی صرف با آئین محرم و به خصوص عاشورا، شربت‌های پخش شده در میان مردم را به عنوان مشروبات الکلی تلقی کرده است و غافل از اینکه این نوع اشتباه در برداشت می‌تواند کل نگاه‌های جنبی و ثانوی وی را در این خصوص تحت الشعاع قرار دهد.

بوویه به هنگام حرکت به سوی تهران به میانه می‌رسد و با کمال تعجب این شهر را مرز بین زبان ترکی و زبان فارسی می‌داند و حتی با شمارش اعداد ترکی و فارسی تا پنج، درصدد است تا تفاوت زبانی را در آنجا نشان دهد. او با بیان اینکه «ترکی، زبانی تند و تلخی است و برای سرما و یخبندان ایجاد شده است و هیچ آفتابی در آن وجود ندارد» (ص ۲۳۳)، خوشحالی خود را برای ورود به میانه یعنی به سرزمینی که در آن زبان فارسی یعنی به تعبیر او «زبان تابستان و گرما» رایج است، ابراز می‌دارد. سپس بلافاصله از ماجراهای سفر خود در جاده قزوین سخن می‌گوید و هیچ صحبتی در خصوص شهر زنجان، که حتماً از آن عبور کرده است و اهالی آن ترک زبان هستند و حتی تا نزدیکی قزوین نیز این وضعیت

ادامه دارد، انجام نداده است.

در صفحه ۱۶۶ کتاب «کاربرد جهان»، بوویه در مورد مراسم تدفین برخی از هموطنان در تبریز سخن گفته است که به هیچ وجه نمی‌تواند صحیح باشد. مسلماً، همچنانکه از بافت مطالب نوشته شده نیز بر می‌آید، نویسنده خود حاضر و ناظر بر این مراسم نبوده است، بلکه قضاوت وی در این خصوص بیشتر مبتنی بر شایعات و بر نظرات راهنماهای غیر مطلع وی بوده است و به همین جهت نگاه درستی بر این امور نداشته است. البته موارد جزئی دیگری نیز وجود دارد که بوویه با نگاه به اصطلاح دور به آنها پرداخته است، از جمله عبور و مرور اتباع خارجی با مجوز ویژه در آذربایجان که به لحاظ کنترل مناطق و شهرهای هم مرز با شوروی سابق انجام می‌شد و بوویه این مسئله را به نحو دیگری مطرح کرده است.

### نتیجه‌گیری

در پایان چنین می‌توان گفت که سفر بوویه به ایران تجربه بسیار ارزنده‌ای برای وی بوده است. چرا که اگر این سفر انتظارات بوویه و دوست نقاش وی را فراهم نمی‌کرد، انگیزه سفرهای بعدی و محصول آنها یعنی سفرنامه‌های آتی فراهم نمی‌آمد. بوویه با تمام مشکلاتی که در ایران آن زمان روبرو بود، توانست سفر به ایران را اصل و اساس کارهای بعدی خود قرار دهد و کتاب «کاربرد جهان» را به مخاطبین اروپائی خود بقبولاند. اگر سخن از نگاه دور یا نزدیک بوویه در کتاب «کاربرد جهان» است، لازم است بدانیم که این نگاه تنها در طول اقامت او در شهر تبریز قابل بررسی است. زیرا بعد از ترک تبریز و حرکت به سوی تهران، اصفهان، شیراز، یزد، رفسنجان، کرمان، بم، زاهدان و نهایتاً شهر مرزی میرجاوه، چیزی جز توصیف ماجراهای سفر و اتفاقات غیر منتظره مانند خرابی خودرو، سیل، طوفان شن و همچنین چایخانه‌های بین راهی و رانندگان کامیون، چیز دیگری در آن به چشم نمی‌خورد. به عبارت دیگر بوویه در ادامه سفر خود به جنوب ایران بیشتر به مثابه یک مشاهده‌گر و گزارشگر ظاهر می‌شود، در حالی که در تبریز علاوه بر این خصوصیت، اغلب به عنوان یک مفسر و تحلیل‌گر مطرح می‌گردد.

اما چیزی که هم برای بوویه و هم برای تی‌پری اهمیت دارد این است که «سفر عملی



است که از انگیزه‌ها پا فراتر می‌گذارد و زود به اثبات می‌رساند که به هیچ چیزی متکی نیست و خود به تنهایی محرک همه چیز است. فکر می‌کنیم که می‌رویم سفری انجام دهیم، اما خیلی زود متوجه می‌شویم که این سفر است که اوضاع ما را سامان می‌بخشد و یا نابسامان می‌کند.<sup>۱</sup>»

---

۱- قسمتی از نامه تی یری به بوویه قبل از ملحق شدن به او

فهرست منابع

اسداللهی الله شکر، ادبیات تطبیقی: از الف تا ی، در ویژه نامه ادبیات تطبیقی، پژوهش زبانهای خارجی، نشریه پژوهش دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۷۹.

Bouvier Nicolas, *l' usage du monde*, Petite bibliothèque Payot, Edition Payot et Rivages, Paris, 2001.

Claudon F., *précis de Littérature Comparée*, Nathan, Paris, 1992.